



با همکاری
ایرج انصار

بخش نظامی و امنیتی
دکتر شیرین مهدوی

آمین الضرب

(مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی)

ناشر
مادر مطلق کاشانی

اسناد امین الضرب

مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی



انتشارات طهوری

«چنین نویسند بزرگان»
گزیده‌ای از نامه‌های نام‌آوران فرهنگ و ادب ایران

- (۱) ۱۳۹۴ نامه‌های محمد قزوینی به محمدعلی فروغی و عباس اقبال آشتیانی
 (۲) ۱۳۹۶ اسناد امین‌الضرب (مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی)

سرشناسه	: مطلبی کاشانی، نادر، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: اسناد امین‌الضرب: مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی (به انضمام پنج رساله و مقاله درباره‌ی خاندان و اسناد امین‌الضرب) / با مقدمه‌ی ایرج افشار؛ بخش نامه‌ها با همکاری شیرین مهدوی؛ به کوشش نادر مطلبی کاشانی.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ص: مصور رنگی، جدول، نمودار.
شابک	: 978-600-5911-31-2
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
موضوع	: ایران - سیاست اقتصادی - قرن ۱۳ق. - ۱۴ق.
موضوع	: مهدوی، اصغر، ۱۲۹۳-۱۳۸۳ - نامه‌ها
موضوع	: Mahdavi, Asghar, 1915-2004 - Letters
موضوع	: مهدوی، شیرین، ۱۳۱۶-، - نامه‌ها
موضوع	: Mahdavi, Shireen, 1937- - Letters
موضوع	: بازرگانی، اسناد - ایران
موضوع	: Commercial documents - Iran
موضوع	: Iran - Economic policy - 19 - 20 th centuries
شناسه افزوده	: افشار، ایرج، ۱۳۰۴-۱۳۸۹؛ مقدمه‌نویس
شناسه افزوده	: Afshar, Iraj, 1925-2011; Introduction writer
شناسه افزوده	: مهدوی، شیرین، ۱۳۱۶-، .
شناسه افزوده	: Mahdavi, Shireen, 1937- .
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۵الف/م/۴۷۵ HC
رده‌بندی دیویی	: ۳۳۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۲۷۳۴۰



حاج محمد حسن امين دارالضرب (ح. ۱۲۵۱-۱۳۱۶ ق/ ۱۲۱۴-۱۲۷۷ ش)
(کار اسدالله الحسيني)



حاج محمد حسين امين الضرب (١٢٨٥-١٣٥١ ق/١٢٤٧-١٣١١ ش)

اسناد امین الضرب

مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی

(به انضمام پنج رساله و مقاله در بارهٔ خاندان و اسناد امین الضرب)

با مقدمهٔ

ایرج افشار

بخش نامه‌ها با همکاری

دکتر شیرین مهدوی

به کوشش

نادر مطلبی کاشانی

تهران ۱۳۹۶

با یاد
دکتر اصغر مهدوی
(۱۲۹۳-۱۳۸۳ ش)



شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
تلفن ۶۶۴۰۶۳۳۰ - ۶۶۴۸۰۰۱۸

اسناد امین الضرب
مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی
(به انضمام پنج رساله و مقاله درباره خاندان و اسناد امین الضرب)
با مقدمه: ایرج افشار
بخش مکاتبات با همکاری: دکتر شیرین مهدوی
به کوشش: نادر مطلبی کاشانی
چاپ اول، ۱۳۹۶
امور فنی و ناظر چاپ: بهروز مستان
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهری محفوظ است.
قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

فهرست

یادداشت‌ها

- ۹..... یادداشت (استاد ایرج افشار)
- ۱۳..... یادداشت (دکتر شیرین مهدوی)
- ۱۷..... یادداشت (نادر مطلبی کاشانی)
- ۲۳..... مکاتبات دکتر اصغر مهدوی و شیرین مهدوی

پیوست‌ها

- ۱۹۳..... به یاد دکتر اصغر مهدوی (ایرج افشار)
- اسناد امین‌الضرب: منبعی برای شناخت تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران،
سدهٔ سیزدهم و چهاردهم هجری قمری (نوشتهٔ دکتر اصغر مهدوی؛
ترجمهٔ سید محمدحسین مرعشی)..... ۲۱۱
- وصیت‌نامهٔ حاج محمدحسن امین‌دارالضرب (به فرزندش حاج
محمدحسین امین‌الضرب)؛ به کوشش ایرج افشار..... ۲۴۷
- یادگار زندگانی (زندگینامهٔ خودنوشت حاج محمدحسین امین‌الضرب)؛
به کوشش ایرج افشار..... ۲۶۱
- [مقدمه] شجره‌نامهٔ مهدوی (تهیه و تدوین: دکتر اصغر مهدوی، ندا مهدوی)..... ۲۹۳
- گزیده عکس‌ها و دست‌نویس‌ها..... ۳۰۵

یادداشت

نامه‌های شادروان دکتر اصغر مهدوی به بانو شیرین مهدوی غنیمتی است که از آن فقید بزرگوار بر جای مانده و اینک به کوشش فرهنگی و تاریخ‌دوستی دوست عزیزم نادر مطلبی کاشانی به چاپ رسیده است.

این نامه‌ها همچون یادگاری است استثنائی از مهدوی، از این روی که او دانشمندی کم‌نویس بود. نامه‌ها گوشه‌ای است از آگاهی‌های گسترده مهدوی نسبت به جریان‌های مالی و اقتصادی عصر ناصری و بعد از آن، که در عمده منابع قاجاری هم ثبت و ضبطی ندارد. جز آن نشانه‌ای است از دقت مهدوی در نقل گفته‌های تاریخی و نقد شنیده‌های معمولی، هوانی و معمولاً پوچی که مردم در مورد بزرگان رایج می‌شود و دهان به دهان و شهر به شهر می‌گردد و در کتاب‌ها به عنوان روایت معتبر و اغلب برای چاشنی زدن و جذاب کردن نوشته‌ها، آنها مورد استناد قرار می‌گیرد. همچنانکه مهدوی می‌نویسد: «باز هم در این باره افسانه زیاد است.» (نامه ۶ [۸])، و در نامه هفتم [۹] آن افکار را به «تخیلات» عنوان می‌کند و به همین ملاحظه است که خطاب به طرف مکاتبه می‌نویسد: «کار را درست باید شروع کرد و درست به انجام رسانید.» [۲۱]؛ «اگر قصد چیز نویسی دارید باید درست بنویسید یعنی با مسایل انتقادی قرن بیستم پیش بروید.» (نامه ۱۱ [۲۱]) و «مقدم بر همه چیز انتقاد منابع است.» (نامه ۱۱ [۲۱]).

مهدوی در این نامه‌ها اتکایش بر سند معتبر و نوشته‌های صادقانه است. اگر این مجموعه را سراسر بخوانید خواهید دید که اعتقاد و اسلوبش جزین نیست که به جزئیات و حقیقت هر مطلب برسد. او بانو شیرین مهدوی را متوجه می‌ساخته است که برای هر گفته‌ای در مورد حاج محمدحسن امین دارالضرب و فرزند او و بطور کلی اولاد و احفاد حاج محمد مهدی اصفهانی می‌باید مطلقاً بر اساس سند سخن گفت و نوشت؛ زیرا همیشه مخالفان و معاندان درباره شخصیت‌های زمانه خود چیزهایی گفته و یا نوشته‌اند که درست نیست. مقداری برای خوشایند بوده و مبلغی هم برای خوشمزگی و مجلس‌آرایی و بالاخره ضدیت و تعریض. مهدوی در تاریخ‌نویسی مطالبی را که حدسی و احتمالی و نیشدارانه نوشته شده باشد با تندى مردود و از زمره مزخرفات می‌شمرد.

مهدوی تاریخ‌دوست، تاریخ‌خوان و تاریخ‌شناس بود و آنچه به خانم شیرین مهدوی نوشته برای دفاع از خاندان خود نیست. زیرا همیشه تاریخ مملکت را بر پیشینه خاندان خود مرجح می‌دانست. روش تاریخ‌نویسی را متکی بودن به سند و صحت آن‌سندها می‌دانست. به همین مناسبت می‌نویسد: «خدا لعنت کند اشخاص بی‌بندوبار را [...] چون این شخص، مزخرف‌نویس مزخرف‌گوست همان بهتر که از کسی نام نبرد.» (نامه ۵ [۱۳]).

این سبیه عالی از موقعی در او متمکن شد که از حوالی سال ۱۳۳۱ به معاینه و رسیدگی و خواندن هزاران هزار برگه بازمانده از دستگاه دو امین‌الضرب (نیا و پدر خود) در خانه پدریش موجود بود و کسی لای آنها را پس از وفات حاج حسین آقا امین‌الضرب (۱۳۱۱ش) باز نکرده بود. اسناد در صندوق‌ها و یخدان‌هایی بود سر بسته. مهدوی با نظامی علمی و حوصله‌ای که زاده علاقه‌مندی او به کشف جریان‌های گذشته می‌بود و تعلق خاطری که

بر وقوف به تاریخ اقتصادی و تجاری دوره قاجاری داشت به باز کردن نامه‌ها و دفترها و اوراق محاسباتی و کتابچه‌های دیگری که میان آنها بود، پرداخت. یک‌یک را می‌خواند و به شناسایی نویسنده‌های آن اوراق که واجب می‌دانست می‌پرداخت. پس به تدریج برای هر یک پرونده‌ای درست کرد و چون کار دامنهور شد مدتی از همکاری دکتر حسین محبوبی اردکانی (۱۲۹۴-۱۳۵۶) بهره‌وری یافت و پس از آن همدستی مهدی قمی‌نژاد و در این اواخر نرگس پدram.

پس اطلاعات کسی که مجموعه اسناد خاندان پدری خود را دیده باشد بیش است از دیگران و تنها او بود که به خوبی می‌توانست میان اوراق مختلف به سنجش بنشیند. حاصل بسیار کمی از آن کنجکاوی‌ها همین مطالبی است که در نامه‌های خود به خانم دکتر شیرین مهدوی نوشته است؛ اگر چه خودش در نامه اول به خضوع نوشته است که بیست سی سال در این باره زحمت کشیده (نامه ۱) ولی من شاهدَم که از سال ۱۳۳۱ تا پیش از مرگ همیشه به آنها می‌اندیشید و به تناوب با آنها ور می‌رفت.

مندرجات نامه‌ها تنها نکته‌های شجره‌نامه‌ای و سرگذشتی افراد نیست، بلکه مقدار زیادی از اهمیتش به نکته‌ها و مطالبی است که دربارهٔ صراف‌ها و روش کار آنها، عیار سکه، تبدیل مسکوکات (نامه ۲ [۳])، برات‌نویسی، استخراج آهن (نامه ۵ [۹])، صراف خزانة (نامه ۶ [۸])، مجلس تجارت (نامه ۸ [۱۶])، وضع سراهای تجارتی (نامه ۱۴ [۲۷]) و دیگر مباحث مربوط به تجارت و امور پولی که امروزه به کلی فراموش شده، نوشته است. و یا از این قبیل که در قرن سیزدهم اصطلاح «سیبه» در اصفهان به چه می‌گفته‌اند (نامه ۲ [۳])، در حالی که همین واژه در تواریخ عصر تیموری و صفوی هم دیده می‌شود. باز از این‌گونه است اطلاعاتی که دربارهٔ جای نشستن صراف‌ها مذکور داشته است (نامه ۳).

مهدوی در ارائه اسناد به دست آمده نظر تاریخی داشت. پس هیچ‌گاه «پوشیدگی» و مخفی کردن نکته‌ای را جایز نمی‌دانست. لذا در همین نامه‌ها مطالبی درباره اصول زندگی و وضع حاجی محمد مهدی دیده می‌شود که می‌تواند مؤید عرض من باشد (نامه ۲ [۳]). کما اینکه قضیه زندانی شدن جد و پدرش را نیز نوشته است (نامه ۵ [۱۳])، یا اینکه می‌نویسد: «این طبقه از مردم آن زمان زندگی بسیار محدودی داشته و با قناعت زندگی می‌کرده‌اند.» (نامه ۶ [۸]).

البته پرسش‌های خانم دکتر شیرین مهدوی نیز اهمیت دارد؛ از این روی که اصغر مهدوی را وادار به یاد آوردن دانسته‌ها و خواننده‌های پیشینه‌اش کرد و این یادگار دلپسند از آن مکاتبات برجای ماند و اینک به دست محققان می‌رسد.

کتاب‌های «اسناد تجارت ایران» (۱۳۸۰)، «یزد در اسناد امین‌الضرب» (۱۳۸۰)، «کرمان در اسناد امین‌الضرب» (۱۳۸۴) که من سرافرازی همکاری با او را در تنظیم و نشر آنها داشتم گواهان خوبی هستند بر اینکه مهدوی در نگاهبانی اسناد خانوادگی حتی پاسخ‌گویی به شیرین مهدوی، اسناد بازمانده از خاندان خود را برای تاریخ اقتصاد و تجارت ایران و شهرنامه‌شناسی مهم می‌دانست.

ایرج افشار

کوشک لورا - ۱۴ مرداد ۱۳۸۵

یادداشت

نسبت من با دکتر اصغر مهدوی سببی بود، بدین صورت که پدر بزرگ ایشان حاج محمد حسن امین دارالضرب برادر ارشد حاج ابوالقاسم ملک التجار مشهد، پدر بزرگ پدرم مهندس ابراهیم مهدوی بود. ولی رابطه ایشان با من بیشتر از نسبت بود و از اولین ملاقات لطف مخصوصی به من داشتند. دلیل اینکه این ملاقات کمی دیر در زندگی من اتفاق افتاد این بود که من از بچه گی جهت تحصیل به انگلستان رفتم و کمتر در ایران بودم و فقط برای تعطیلات تابستان به ایران می آمدم.

اولین ملاقات من با ایشان بدین ترتیب انجام گرفت: در یکی از تعطیلات تابستان که من حدود هیجده سال داشتم (حدود ۱۳۳۵) در مازندران بودم چون پدرم استاندار بود. دو جوان انگلیسی مهمان ما بودند. من آنها را با ماشین و راننده جهت گردش از ساری به بابلسر بردم. عصری که ما در هتل بابلسر مشغول صرف چای بودیم راننده آمد و گفت طوفان شدیدی شروع شده و ما مجبوریم شب در هتل بمانیم چون صلاح نیست در این طوفان رانندگی کنیم. در زمانی که من ماجرا را تلفنی به مادرم توضیح می دادم او از آن طرف، با این برنامه مخالفت می کرد؛ چون خوشایند نبود که دختری جوان با دو پسر خارجی بدون بزرگتر در هتل باشد. شخصی پیش

من آمد و گفت: شما دختر ابراهیم آقا هستید؟ گفتم بله. گفتند: من اصغر مهدوی هستم. اجازه بدهید من با خانم صحبت کنم و بگویم من اینجا هستم تا خیالشان راحت شود. بعد از صحبت با ایشان مادرم اجازه دادند که ما شب را در هتل بمانیم و بعد از آن اصغر آقا ما را به شام دعوت کردند و شبی خوب و فراموش نشدنی را در حضور ایشان گذرانیدیم. از آن به بعد هر سال به دیدن ایشان می‌رفتم و بعد از آنکه جهت زندگی به آمریکا رفتم همچنان در تماس بودیم.

از بچه‌گی در منزل ما و در بین اقوام ما اسم حاج محمدحسن امین دارالضرب نام افسانه‌ای بود و داستان‌های مختلف راجع به زندگی او، فعالیت‌های او و ثروت او گفته می‌شد و من همیشه مبهوت این داستان‌ها بودم تا اینکه بعد از مستقر شدن در آمریکا تصمیم به تحقیق بیشتر در مورد حاج محمدحسن گرفتم که منجر به نوشتن زندگینامه او شد. در نتیجه، مکاتبات جدیدی با اصغر آقا در مورد مدارک موجود در آرشیو امین‌الضرب شروع کردیم. حقیقت مطلب این است که در وهله اول ایشان به دو علت با اجرای این برنامه موافق نبودند: اولاً فکر می‌کنم که شاید برنامه‌ای داشتند که این زندگینامه را خود بنویسند؛ و دوم اینکه می‌گفتند که شخصی که مایل به اجرای چنین برنامه‌ای باشد، باید به ایران بیاید که به دلایلی برای من امکان‌پذیر نبود.

اما بعد از آنکه خود به تنهایی در کتاب‌های مربوط به آن زمان که به نحوی از انحاء نام حاج محمدحسن امین دارالضرب برده می‌شد شروع به تحقیق کردم و مطالبی نوشتم و برای ایشان فرستادم، متوجه شدند که من مصمم هستم و اینکار را جدی گرفته‌ام. ایشان یک همکاری فوق‌العاده و خارج از انتظاری را از طریق مکاتبه شروع کردند. این همکاری بدین صورت بود که من نامه می‌نوشتم و یک سلسله سؤال می‌کردم. اصغر آقا در

جواب نه تنها سؤال‌های مرا جواب می‌دادند بلکه هر موضوع را پرورش داده و توضیحات بیشتری هم می‌دادند و رابطه ما در این مکاتبه مانند استاد و شاگرد بود. طولی نگذشت که شروع به فرستادن مدارک کردند. این مدارک بعضی اوقات فتوکپی شده و بعضی اوقات مدرک مربوطه را از مدرک خیلی بزرگتری استخراج می‌کردند و همراه با دستخط خود کپی می‌کردند و می‌فرستادند.

چند بار هم در پاریس همدیگر را ملاقات کردیم که من تمام صحبت‌های ایشان را ضبط کردم که هنوز هم دارم. متأسفانه صدای ضبط شده زیاد خوب نیست، به دلیل اینکه محل ملاقات را بیشتر در رستوران‌ها معین می‌کردند و متأسفانه علاوه بر صدای ایشان، صدای مشتری‌ها و پیشخدمت‌ها هم ضبط شده است.

مکاتبه ما در مورد امین دارالضرب حدود ده سال بطور انجامید و به جایی کشید که خودشان در یکی از نامه‌هایی که ضمیمه است نوشتند که من در عمرم برای هیچ‌کس آنقدر نامه ننوشته‌ام. چون من زندگینامه حاج محمدحسن امین دارالضرب را بر حسب تاریخ و زمان می‌نوشتم در هر مرحله ایشان مدارک مربوطه را از دفتر کپی گرفته تا نامه‌های حاج محمدحسن به افراد مختلف، تا فرمان‌ها و مکاتبات با شاه و غیره را می‌فرستادند.

بی‌اغراق بدون این لطف و حسن نیت و همکاری با ارزش ایشان اصلاً برای من نوشتن زندگینامه حاج محمدحسن امین دارالضرب امکان‌پذیر نمی‌نمود. تا ابد مدیون ایشان هستم و امیدوارم که یادشان همیشه به خیر باشد.

شیرین مهدوی

دانشگاه یوتا - سانت لیک سیتی

آبان‌ماه ۱۳۸۳

یادداشت

اولین دیدارم از نزدیک با استاد والا مقام دکتر اصغر مهدوی (۱۳۸۳/۲/۲۲-۱۲۹۳) مربوط به اواخر دهه شصت است. روزی در کتابفروشی «تاریخ» متعلق به دوست فقیدم بابک افشار پرسه می‌زدم، که از اتفاق، ایشان با استاد و مخدوم عزیزم ایرج افشار - که گویا از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌آمدند - بدانجا وارد شدند و من بنده به لطف و اشارت استاد افشار به ایشان معرفی شدم. یاد دارم اولین سؤالی که از من پرسیدند درباره نسبتم با عبدالمطلب کاشانی، حکیم و ادیب دوره قاجار، و برخی دیگر از کاشانیان ساکن طهران قدیم بود، و بنده مختصر آگاهی‌ای در این باره داشتم که خدمتشان عرض کردم. این دیدار صمیمانه - و برای من موهبت و افتخار - باعث شد که تا آخرین روزهای حیات پربار و پربرکتشان با ایشان در ارتباط باشم و همواره از محبت و لطفشان بهره‌مند گردم. بخصوص بعد از آنکه مجله «نامه بهارستان» تأسیس شد، ایشان در کمال بزرگواری عضویت در شورای علمی آن مجله را پذیرفتند و در تمام مراحل، پشتیبان علمی و فکری ما شدند (۱۳۷۹).

در سال ۱۳۸۳ به پیشنهاد استاد افشار قرار شد پنجمین مراسم «حامیان نسخ خطی» به یاد و نام استاد دکتر اصغر مهدوی برگزار گردد. این مراسم باشکوه حدود هفت ماه پس از درگذشت ایشان، در پانزدهم آذرماه ۱۳۸۳

– در زمان مدیریت وقت کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدعلی احمدی ابهری – در عمارت قدیم مجلس و با حضور مقامات برجسته علمی و فرهنگی برگزار شد، و در آنجا برخی از دوستان و نزدیکان دکتر مهدوی به ایراد سخن پرداختند.^۱ همچنین طبق برنامه قرار شد کتابی به یادگار این نشست منتشر گردد که مسئولیت و افتخار آن به این بنده واگذار شد و خوشبختانه آن نیز با همکاری آقای سید محمدحسین مرعشی در سلسله انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی چاپ و منتشر شد.^۲

برای تدوین مجموعه یادشده – همچون همیشه – نخست دست یاری به سوی استاد افشار دراز کردم، و برای مشورت نزد ایشان رفتم. غیر از استاد افشار – که از ابتدا تا انتهای برنامه، با مشورت و راهنمایی ایشان انجام گرفت – از جمله کسانی که در این باره با او به مشورت نشستم و یاریمان کرد مرحوم دکتر هوشنگ ساعدلو و دکتر منوچهر آگاه بود که از دوستان قدیمی و همکاران دانشگاهی دکتر مهدوی می‌بود. دکتر ساعدلو پیشنهاد داد که با خانم دکتر شیرین مهدوی – استاد تاریخ قاجار در دانشگاه یوتا، ساکن آمریکا – تماس گرفته و درخواست مقاله نمایم. با ایشان تماس گرفته شد و ایشان هم با لحنی محبت آمیز خواهش بنده را قبول کردند. در همان گفت‌وگوی تلفنی از ایشان ماجرای تألیف کتاب حاج محمدحسن امین دارالضرب^۳ را – که دکتر مهدوی سال‌ها پیش نسخه‌ای از آن را به لطف،

۱. از جمله استادان زنده‌یاد دکتر منوچهر ستوده، استاد ایرج افشار، دکتر هوشنگ ساعدلو و نیز استاد مهدی قمی‌نژاد، خانم مژده مهدوی و تعدادی دیگر.

۲. با عنوان: حدیث عشق (۶): دکتر اصغر مهدوی، از او و با او. یاد کنم از استادان فقیدی که در آن مجموعه ارزشمند مقاله داشتند: دکتر منوچهر ستوده، استاد ایرج افشار، دکتر محمدامین ریاحی، دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی و دکتر هوشنگ ساعدلو.

۳. مشخصات متن اصلی کتاب چنین است:

For God, Mammon, and Country: A Nineteenth-Century Persian Merchant, Haj Muhammad Hassan Amin al-Zarb (1834-1898). Colorado: Westview Press, 1999. →

مرحمت فرموده بودند - جویا شدم. خانم دکتر مهدوی به تفصیل از مرادوات و مکاتباتی که در جریان تدوین کتاب یادشده با دکتر مهدوی داشته‌اند، و نیز از همکاری‌های صمیمانه ایشان با خود سخن گفتند؛ پس خواهش کردم یکی دو نامه از میان این مکاتبات، که از حیث مطلب مفید عام تشخیص می‌دهند، برایم به طریق دورنگار ارسال نماید. این کار انجام شد، ولی چون تصاویر صفحات ارسالی از نامه‌ها از کیفیت لازم برخوردار نبود و موارد ناخوانا در آن زیاد بود، به ناچار از چاپ آنها صرف‌نظر کردیم و تنها به تجدید چاپ مقاله‌ای از ایشان که به خاندان امین‌الضرب اختصاص داشت و پیش‌تر در مجلهٔ ایرانشناسی (آمریکا) چاپ شده بود اکتفا نمودیم. سالی گذشت و در سفری - که خانم مهدوی بعد از سال‌ها به ایران آمدند - و ملاقاتی که در دفتر نامه‌بهارستان دست داد (فروردین ۱۳۸۴) دوباره صحبت نامه‌ها را در میان آوردم، و این بار خواهش کردم تا هر آنچه نامه از دکتر مهدوی در اختیار دارند، در مجموعه‌ای به‌طور جداگانه و مستقل منتشر کنیم. پیشنهادم را پذیرفتند و در نوبت بعدی که به ایران آمدند (تیرماه ۱۳۸۴) تمام آنچه از دکتر مهدوی در اختیار داشتند را - اعم از نامه‌ها و اسناد و مدارک ارسالی دکتر مهدوی - به لطف در اختیارم نهادند. چند یادداشت و نامه هم بعدتر در لابه‌لای اوراقشان یافتند که دوباره آنها را ارسال کردند. تعدادی از نامه‌ها توسط همکار وقت نامه‌بهارستان، خانم فاطمه بوجار، تایپ و آماده شد و بعد از آن هم یکی دو باری، ساعاتی با خانم دکتر مهدوی نشستیم و برخی کلمات دشوارخوان را خواندیم و اصلاح کردیم. کتاب آماده شد و خدمت استاد افشار تقدیم شد

→ و برای ترجمهٔ فارسی نه‌چندان دقیق آن نک:

زندگی‌نامه‌ی حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب. ترجمهٔ منصوره اتمادیه، فرحناز امیرخانی حسینک‌لو. تهران: نشر تاریخ، ۱۳۷۹.

تا مقدمه‌ای بر آن مرقوم فرمایند. استاد در سفری که در مردادماه ۱۳۸۴ در خدمتشان به ییلاق کوشکک لورا رفته بودم، در همانجا مطلبی ارزشمند و ماندگار برای این مجموعه (که آن زمان فقط شامل متن نامه‌های دکتر اصغر مهدوی بود) نوشتند، که در ابتدای این مجموعه ملاحظه خواهید فرمود.

این مجموعه سال‌ها ماند و من هم چون گرفتار کارهای متعدد خودخواسته و ناخواسته‌ای شده بودم، هربار به علتی و عذر و بهانه‌ای از چاپ آن طفره می‌رفتم. زمانی دوست داشتم تمام اسناد و مدارکی که دکتر مهدوی برای خانم مهدوی فرستاده بودند را آماده سازم و به کتاب پیوست کنم؛ زمانی دیگر تصمیم گرفتم نشانی تمام منابع و مآخذی که دکتر مهدوی در نامه‌ها به آنها اشارت فرموده بودند را در پاورقی نامه‌ها یاد کنم؛ و زمانی هم این هوس در ذهنم شکل گرفت که نامه‌های نوشته شده توسط دکتر اصغر مهدوی را در یک جا گردآورم و به چاپ برسانم، و زمانی دیگر آرزو و هوسی دیگر از ذهنم گذشت. خلاصه آنکه کتاب سال‌ها ماند. آنقدر ماند که صدای آقای مهندس رضا خازنی - همسر خانم مهدوی - هم درآمد، اما خوشبختانه بر خلاف آنچه که می‌گویند «فی التأخیر آفات» این بار این تأخیر، نه تنها آفات نداشت، بلکه «الخير فی ما وقع» هم شد.

سال گذشته که برای دیدار خدمت خانواده دکتر مهدوی رفته بودم، صحبت این نامه‌ها پیش آمد و عرض کردم نامه‌های دکتر مهدوی به خانم مهدوی معلوم است، ولی ما هیچ نمی‌دانیم خانم مهدوی چه سؤالاتی از آقای دکتر کرده بودند که ایشان به این مفصلی بیان مطلب فرموده‌اند، به نحوی که دکتر مهدوی خود در یکی از نامه‌هایشان نوشته‌اند: «ولی بدانید که من در عمرم این قدر که برای شما نامه نوشته‌ام برای هیچ کس ننوشته‌ام، زیرا من چیز نويس نيستم و غالباً مختصر می‌نويسم» (نامه ۱۳). پس، از خانواده دکتر مهدوی خواهش کردم تا نامه‌های خانم مهدوی را هم لطف کنند تا در ابتدای نامه‌ها قرار بگیرد تا به قول معروف شأن نزول مطالب بیشتر

معلوم گردد. خوشبختانه این کار هم به لطف فرزند استاد، سرکار خانم مژده مهدوی صورت گرفت و بنده نیز از این بابت از ایشان و همسر گرمی ایشان آقای دکتر حسین صدیقی صمیمانه سپاسگزارم.

در خصوص محتوای این نامه‌ها مطلبی گویاتر از آنچه استاد افشار در مقدمه مرقوم داشته‌اند نمی‌توانم بنویسم، پس علاوه بر این مقدمه، مطلب مفصل‌تر دیگری هم از استاد افشار در حالات و روحیات و طرز کار دکتر مهدوی که پیش‌تر در یادنامه آمده بود، در انتهای همین مجموعه تجدید چاپ شد. لازم به ذکر است که دکتر مهدوی در لابه‌لای نامه‌هایشان به دفعات به شرح حال و چگونگی کار پدر و پدربزرگشان، و نیز اسناد و مدارک مربوط به گنجینه امین‌الضرب اشاره نموده‌اند، که بهتر دیده شد تا برخی مقالات و رسائل مرتبط با آنها که ضروری می‌نمودند را در انتهای همین مجموعه درج کنیم. در این خصوص شش نوشته وجود داشت که ضمیمه شد:

نخست شرح حال دکتر اصغر مهدوی، به قلم استاد فقید ایرج افشار؛
دو دیگر ترجمه مقاله دکتر اصغر مهدوی درباره اسناد خانوادگی
امین‌الضرب - که سال‌ها پیش آقای محمدحسین مرعشی به خواهش بنده
برای درج در یادنامه دکتر مهدوی از زبان فرانسه ترجمه کرده بودند -؛

سوم وصیت‌نامه حاج محمدحسن امین دارالضرب؛

چهارم زندگینامه خودنوشت حاج محمدحسین امین‌الضرب؛

پنجم مقدمه شجره‌نامه خانواده مهدوی است، که توسط دکتر اصغر مهدوی تهیه و با همکاری فرزندشان خانم ندا مهدوی آماده و تنظیم گردیده.
و در آخر تعدادی عکس و نیز تصاویر برخی دستنویس‌ها که از گنجینه خانوادگی دکتر مهدوی تهیه و به انتهای کتاب افزوده شد.

در پایان این یادداشت، ضمن یادکرد از همه بزرگواریهای دکتر اصغر مهدوی و استاد و مخدوم فقیدم ایرج افشار، صمیمانه از خانم دکتر شیرین مهدوی و نیز خانواده بزرگوار دکتر اصغر مهدوی سپاسگزارم، که این نامه‌ها و تعدادی عکس‌های قدیمی خانواده را برای نشر در اختیارم قرار دادند. همچنین از انتشارات طهوری (به مدیریت آقای احمد طهوری)، که نشر این مجموعه را مفید تشخیص داده و اقدام به نشر آن نمودند، و نیز از همکار دیرین و دستیار گرامی دکتر اصغر مهدوی، و همکار بافضل و کمال و دقیق‌النظر پیشین «نامه بهارستان» و همراه فعلی «دفتر پژوهش‌های نسخه‌شناسی» سرکار خانم مهندس نرگس پدram که یک بار متن کامل کتاب را ملاحظه و مواردی را متذکر شدند صمیمانه سپاسگزارم.

نادر مطلبی کاشانی

تیرماه ۱۳۹۳

تهران، ۸ دسامبر ۱۹۸۶ [= ۱۷ آذر ۱۳۶۵]

خانم گرامی، نور چشم، عزیزا!

نامه شما توسط جناب دکتر صدری نائینی دریافت کردم و از مضامین آن مطلع شدم و از اینکه شما و خانواده به سلامت هستید و روزگاری نسبتاً آسوده دارید خوشوقت شدم. برای پدرتان^۱ در یکی دو سال قبل نامه‌ای در جواب نامه ایشان ایشان نوشتم ولی دیگر خبری ندارم مگر غیر مستقیم! امیدوارم که حالشان خوب باشد تا بعد خداوند چه خواهد. عجالة که من گرفتار دو مریض سخت هستم: یکی مادرزنم و دیگری خواهرم که هر دو در بیمارستان بستری است. پدرتان از شنیدن اینکه آقای باقر عاملی^۲ در لوس آنجلس عجالة بسر می‌برد خوشحال خواهد شد و حتماً با او مکاتبه دارد. از این مطالب بگذریم. کار شما از آن جهت دشوار است که با مدارک موجود در تهران نه آشنا هستید و نه می‌توانید آشنا شوید چه آنها را باید در همین جا یعنی در تهران مطالعه کرد و خواند.

۱. مهندس ابراهیم مهدوی، وزیر کشاورزی دولت دکتر محمد مصدق.

۲. دکتر باقر عاملی، وزیر دادگستری دولت دکتر محمد مصدق؛ پسر خاله مهندس ابراهیم مهدوی.

توسط دکتر علی اشرف^۱ یک جلد از نامه‌های استخراج شده از دفتر کوبیه مربوط به سال ۱۲۸۷ قمری را برای شما فرستادم. یعنی از من گرفت و وعده داد که به شما بدهد، نمی‌دانم چه شده. از او بد نیست سؤالی بکنید. اینک در جوف همین پاکت مقاله‌ای را که راجع به نوشتجات باقیمانده از مرحوم حاج محمدحسن و پدرم تا به حال مرتب کرده بودم و برحسب نام اشخاص منظم شده و به ترتیب ولایات جدا شده نوشته‌ام برای شما می‌فرستم و احتمال می‌دهم ترجمه انگلیسی آن را که در ایرانین استادین^۲ چاپ شده خواننده باشید. اصل آن در فرانسه و به فرانسه چاپ شده.^۳ من ترجمه انگلیسی آن را برای شما می‌فرستم. اگر بخواهید اصل فرانسه آن را هم بنویسید تا برای شما بفرستم.

اما راجع ترجمه شرحی که پدرم نوشته و چاپ شده^۴ باید به شما بگویم که صفحات دیگری از آن بعدها پیدا شد البته به صورت مسوده چه آنچه چاپ شده به صورت پاکتویس است و آنچه اخیراً در لای کاغذها پیدا شد که تا ۱۳۱۴ ظاهراً می‌رسد و در صدد هستیم که آن را با آنچه قبلاً چاپ شده مجدداً چاپ کنیم. ولی چون پدرم این یادداشت‌ها را هنگامی نوشت که در فرانسه بود و از روی آنچه به خاطرش مانده بود می‌نوشت غالباً

۱. ظاهراً دکتر احمد اشرف منظور است.

2. Mahdavi, Asghar, "The Significance of Private Archives for the Study of the Economic and Social History of Iran in the Late Qajar Period," *Iranian Studies*, 16 (1983): 243-278.

3. Mahdavi, Asghar, "Les archives Aminozarb, source pour l'histoire économique et sociale de l'Iran (fin xix^e-début xx^e siècle)," *Le monde iranien et l'Islam*, IV (1976-1977): 195-222.

۴. این رساله با مشخصات زیر منتشر شده است:

یادگار زندگانی حاج محمدحسین امین‌الضرب به قلم خودش (تحریر ۱۳۴۷ قمری در پاریس). به کوشش ایرج افشار. تهران. ضمیمه مجله یغما (مردادماه ۱۳۴۱). ۲۸ ص. تجدید چاپ در: سواد و بیاض (مجموعه مقالات ایرج افشار). (تهران: دهخدا، ۱۳۴۹)، ج ۲، ص ۱۸۷-۲۳۲؛ حدیث عشق ۶: دکتر اصغر مهدوی «از او و با او». به کوشش نادر مطلبی کاشانی، محمدحسین مرعشی. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۳۵۱-۳۷۶.

اشتباهاتی در سنوات و یا نواقصی در وقایع دارد که باید بعداً یعنی در چاپ جدید اصلاح شود.

و اما آنچه از من خواسته‌اید که برای شما بفرستم آنها را تا حدی می‌توانم - البته نه همه آنچه خواسته‌اید - برای شما بفرستم و مشغول تهیه آن شده‌ام ولی مشروط است به اینکه شما در صورتی که از هر یک از آن اطلاعات استفاده کنید رسماً تعهد نمائید که در حاشیه کتاب خودتان یا ترجمه‌ای که از یادداشت‌های پدرم کرده‌اید به اطلاعاتی که من برای شما می‌فرستم با اسم من یعنی ذکر اسم من آنها را بنویسید و استفاده کنید زیرا چون مسلماً نوشته‌های شما قبل از آنچه من خواهم نوشت و منتشر خواهم کرد چاپ خواهد شد (البته به زبان انگلیسی) بعداً آنچه من به فارسی بنویسم تصور خواهد شد که من از روی کتاب یا نوشته‌های شما ترجمه و منتشر کرده‌ام یعنی زحماتی که من در طی بیست سی سال کشیده‌ام به هدر خواهد رفت. چنانکه مدارک دیگری را من به اشخاص دادم و ایشان از اطلاعات و یادداشت‌های من استفاده کردند و چاپ نمودند و بعضی حتی اسم مرا در کتاب خودشان نبردند که هیچ، حتی تشکر هم نکردند که فلانی این اطلاعات را به ما داده است؛ اگر هم چیزی نوشتند نام من هم مانند رفرانس‌های عادی و معمولی ذکر شد بدون آنکه گفته شود اصل موضوع را من تهیه کرده بوده‌ام. در موارد دیگری زحمات مرا گرفتند و در پرونده‌های خود ضبط کردند بدون آنکه آنها را منتشر کنند. اینک برای آنکه چنین اتفاقی نیفتد مجبورم از پیش از هرکس که از من چیزی بخواهد چنین تعهدی را بگیرم که اولاً در هر مورد از ذکر نام من خودداری نکند و ثانیاً اطلاعاتی که داده می‌شود چاپ کند و به معرض استفاده بگذارد. مطالب بسیاری برای مقاله و کتاب از من گرفته‌اند و متأسفانه فراموش شده. چند دفتر کویپه را با زحمات زیاد نشستیم و خواندیم و ماشین کردند ولی بدون استفاده ماند زیرا

دستگاهی که می‌خواست آنها را چاپ کند تعطیل شد و از بین رفت.^۱
 این کارت طولانی شد و اگر توجه به طول آن کرده بودم در کاغذ بزرگ
 می‌نوشتم. از این صورتی که پیدا کرد معذرت می‌خواهم. سلام مرا خدمت
 پدر و مادرتان برسانید. سلامتی شما را خواستارم.

اصغر مهدوی

نمی‌دانم شما وحید نوشیروانی را می‌شناسید یا نه. یکی از رفقای خوب من
 است و از کارهای من اطلاع دارد و در نیویورک بسر می‌برد.

۱. این کتاب بعدها چاپ شد و مشخصات آن چنین است:

اسناد تجارت ایران در سال ۱۲۸۷ قمری. به کوشش دکتر اصغر مهدوی و ایرج افشار. تهران:
 شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰. چهارده، ۳۲۴ ص.